

* (عفاف نامه) *

اثر طبع بلند و فکر عقیف نیرومند آقای سید کریم امیری فیروز کوهی
متخلص بامیر

در میان توده توده سخنان ناروا و خرمن خرمن هذیان و ناسزا
و خلاف تمدن و اخلاق و انسانیت و در فضای تاریک جهل و وحشت گاهگاه برق
حقیقتی نور افکن شده هم فضا را روشن و هم خرمن جهل و بی عفاف را بنیان
سوز میگردد .

آری اگر نه چنین بود ظلمت جهل جهان را فرا میگرفت و یکباره
انسانیت و تمدن جامعه بشری را بدرود میخواند از برق های جهنده حقیقت یکی
نامه کوچک صورت - بزرگ معنی و بهائیت بنام (عفاف نامه) اثر طبع وقاد شاعر
نیرومند جوان (امیر فیروز کوهی) که بتازگی طبع و منتشر و در آن داد
سخن و عفاف داده شده و نگارنده آن گنجینه ادب و عصمت را برهی (وحید
دستگردی) ارمغان داشته و ما بجان و دل چنین هدیه گرانبهائی را پذیرفته ایم .
ایشک برای آنکه تمام خوانندگان ارمغان از دور و نزدیک از خواندن این نامه
که سرمشق زندگانی زن و اساس و پایه عفاف و تمدنست بهره مند شده و بر
جراحت آلام رومانهای ضد عفاف مرهمی بگذارند عین عفاف نامه را زیب
صفحات ارمغان قرار میدهیم .

بسمه تعالی

ای زنای سرو ناز باغ وجود	نور بخشنده چراغ وجود
ای بتوزنده جان حردو کلان	وای پدید از تو پردلان و یلان
در رفاه از تو دوره آدم	در تعب بی تو هر که در عالم
فکر تو دستیار کار همه	کار تو نیز دستیار همه

بر تو قائم نظام هستی ما
جان ما زنده در محبت تو
عشق تو اصل زندگانی ما
از وجود تو بود ما پیدا (۱)
زندگی هرچه مختصر گذرد
آنکه نه طاق آسمان آراست
از سر زلف عنبر آسایت
ست شیرازه کتاب حیات
تا تو مارا نگاهبان باشی

در تو ظاهر خدا پرستی ما
دل ما شادمان به صحبت تو
وصل تو عیش جاودانی ما
قدر تو از وجود ما پیدا
بیتو آن به که زود تر گذرد
و این جهان را چو آنجهان آراست
وز لب لعل روح افزایت
ساخت جان داروئی چو آب حیات
راحت افزای جسم و جان باشی

باری ای آیت جمال اله
ای هنر بخش دختر و پسران
تا درین راه خیر پیشروی
دل زاندیش کج بری کن و پاک
پاکی اندوز و راستی آموز
کانکه مذهب نهاد و آئین کرد
راستی رهنمای آدمی است
راستی نقش کبریای خداست
زن که با کثی و بدی خو کرد
زن که با راستیش جنک افتاد

وی نماینده جلال اله
وی بهین رهنمای نوسفران
راست رو باش تازره نروی
تا چو گوهر بر آئی از دل خاک
بعد از آن هرچه خواستی آموز
راستی را ملازم دین کرد
راستی منتهای مردمی است
(کس ندیدم که گم شد از ره راست)
برده عاقبت بیکسو کرد
نقد آئین ز دست خواهد داد
بقیه دارد

(۱) در این بیت و بعضی از آیات دیگر این منظومه بطرز متاخرین دال و ذال بایکدیگر قافیه شده است .
امیر